

نویسنده : میک ویتنی (Mike Whitney).
منبع و تاریخ نشر : کونتر پانچ «2016-08-26».
برگردان : پوهند وی دوکتور سیدحسام «مل» .

تخته شطرنج شکسته : بریژنسکی در پی تعالی امپراتوری

The broken chessboard : Brezinski, gives up on Empire

کونتر پانچ : معمار اصلی طرح واشنگتن برای تسلط و حکومت کردن بر جهان را رها کرده و یا از آن طرح خود صرف نظر نموده و اکنون خواستار جعل روابط با روسیه و چین شده است، و از جانبی هم مقاله ای بقلم **زیبگنیو بریژنسکی** در جهت منافع ایالات متحده امریکا تحت عنوان « **بسوی یک تجدید جهانی** » تا حدی زیادی



زیبگنیو بریژنسکی طراح برتری جویی ایالات متحده امریکا

توسط رسانه ها نادیده گرفته شده مبنی بر اینکه اعضای قدرتمند جهان و یا پالیسی سازان به ایجاد سیاست و پالیسی دیگری در جهان کنونی معتقد اند و آن به این برهه و استدلال که واشنگتن دیگر برای مدت طولانی با وجود تلاش های پیهم خود قادر نخواهد بود که سیاست برتری جویانه ای خود را در شرق میانه و آسیا بثمر رساند و از آن میوه چیند. بریژنسکی که طرفدار اصلی ایده برتری جویانه ای ایالات متحده امریکا در سراسر

جهان بود یعنی آن کسی که در سال «1977» این طرح هژمونی و گسترش نفوذ امپراتوری را در شرق میانه و آسیا در کتاب خود بنام تخته شطرنج بزرگ تحت عنوان «برتری جویی امریکا و الزامات ژئواستراتژیک آن صریحاً تذکر داده است اکنون از یک اصلاح چشمگیر از استراتژی سخن بر لب می آورد که ما در اینجا فشرده ای از مقاله او را بخاطر روشن شدن این ستراتیژی چشمگیر اصلاح شده ای او بشما خواننده گان محترم پیشکش مینمایم :

از آنجاییکه دوران ادعای سلطه جویی و هژمونی بر جهان به پایان خود میرسد و یا در راه رسیدن است ایالات متحده امریکا نیاز آن را می بیند که بخاطر رهبری جهان در هماهنگی مجدد معماری قدرت جهانی تلاش بخرج دهد.

با دید خاطر نشان ساخت که پنج اصل اساسی یا حقایق بنیادی در رابطه با توزیع مجدد ظهور قدرت سیاسی و بیداری سیاسی ناشی از برخورد های خشونت آمیز در شرق میانه و آسیا زنگ بوجود آمدن یک تجدید نظر جدید را در سطح جهانی بصدا در آورده است. یا به عبارتی دیگر بخاطر آنکه گلیم خشونت و زورگویی قدرت یگانه و برتری جویی در شرق میانه و آسیا پایان یا بد ایجاب تجدید نظر را در سطح جهانی برخلاف آنچه که آقای بریژینسکی بر برتری جویی ایالات متحده امریکا تاکید می ورزد پنج اصل اساسی میباشند :

و آن اینکه این یک حقیقت انکارناپذیر است که ایالات متحده امریکا تا هنوز در جهان معاصر از نظر برتری سیاسی، اقتصادی و نظامی قدرتمندترین کشور است. اما با در نظر داشت رونما شدن تغییرات ژئوپولیتیکی پیچیده که در توازن منطقه قد بر فرشته و یا کمر راست نموده است دیگر برای قدرت امپریالیستی در سطح جهانی فرصت برتری جویی را نمیدهد « و به گفته ای معمار اصلی طرح برتری جویی امریکا آقای بریژینسکی » و برای رهبری بهتر جهان ضرورت اقدامات چند بسوی یک طرح تجدید جهانی دیده میشود یعنی در مشارکت با دیگران بخاطر رهبری جهان .

تکرار موكد : ایالات متحده امریکا برای مدت طولانی دیگر نمیتواند که ادعای برتری قدرت امپریالیستی جوینده خود را در سطح جهانی در مقایسه به ارزیابی از بیانیته آقای بریژینسکی که در این اواخر صورت گرفته است با ادعایی که او در سال های قبل در تخته شطرنج بزرگ برتری جویی ایالات متحده امریکا را عنوان میکرد حفظ و نگهدارد .

در اواخر دهه از قرن بیستم ما همه شاهد یک تغییر ساختاری از قدرت در امور و مسایل جهانی میباشیم و آن اینکه برای اولین بار نه بحیث یک قدرت جیوتکتونیک (زمین ساختی) اوروآسیا بوجود آمد بلکه بعنوان یک داور کلیدی روابط قدرت اورآسیا و به صفت یک قدرت مهم جهانی پدید آمد؛ حال آنکه ایالات متحده امریکا بعد از سقوط و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به آخرین مرحله از صعود سریع خود در نیمکره غربی بصفت اولین

قدرت بی همتا و واقعی جهان عرض اندام کرد (تخته شطرنج بزرگ الزامات ژئوپولیتیک زیگنیوبریژنسکی کتاب مطبوع سال «1977» او).

در اینجا می‌خواهیم کمی بیشتر به ارتباط مقاله آقای برژینسکی مکث نمایم: واقعیت اینست که تا آنکه ایالات متحده آمریکا در صحنه جهانی پا بعرصه وجود نگذاشته بود هرگز کدام قدرت جهانی خارق العاده جهانی مسلط در جهان بچشم نمی‌خورد، اصالت وجود و حقیقت قاطع جدید جهانی با ظاهر شدن آمریکا در صحنه ای جهانی همزمان با ثروتمند تر بودن و بازیکن قدرت نظامی بیشتر نمایان گردید یعنی با ظاهر شدن آمریکا توام با داشتن ثروت بی همتا و بازیکن قدرت نظامی حقیقت قاطع جدید جهانی را رقم زد که در بخش دوم قرن بیستم هیچ قدرت دیگری نزدیک به آمریکا در جهان وجود نداشت اما اکنون به نسبت بعضی از عوامل این دوران یعنی دوران داشتن قدرت برتری جویانه به پایان خود نزدیک شده است. پس سوال اساسی در اینجا است که چرا «اکنون این دوران به نقطه پایان خود تقرب کرده است؟ و یا چرا تغییرات قابل ملاحظه ای از هنگام سال (1977) که بریژینسکی بر برتری و تفوق ایالات متحده آمریکا من حیث قدرت مند ترین کشور پا فشاری میکرد رونما گردیده است؟

بریژنسکی عوامل تقریبی این تغییر را ظهور روسیه - چین و تضعیف اروپا و بیداری سیاسی خشونت آمیز میان مسلمانان پس از استعمار را با بازگست ناگهانی عنوان میکند و برای توضیح منطقی این گفته ای خود تروریزم را مثال می آورد و نه دولت معمولی را که بگونه یک تکیه کلام «نفرت از آزادی ما» داشته باشد.

این کاملاً روشن است که آقای بریژنسکی همه پرابلمها و مشکلاتی را که ایالات متحده آمریکا در آینده به آن مواجه خواهد شد نمیتواند که در مقاله ای (1500) حرفی خود آنرا بگنجد و یا آنرا فشرده سازد ولی آنچه که موجبات تشوش آقای بریژنسکی را فراهم نموده است همانا تقویه رو به افزون اقتصادی، سیاسی و نظامی بین روسیه، چین، ایران، ترکیه و دیگر کشورهای آسیای مرکزی میباشند. که اینست عمده ترین نگرانی و تشویش او حتی چنانچه که او این پرابلمها و مشکلاتی را در سال (1977) وقتی که کتاب خود را در تحت عنوان تخته شطرنج به قید تحریر در آورد در این مورد چنین نوشت: لذا ایالات متحده آمریکا برای تعیین چگونگی مقابله با ایتلاف منطقه که بدنبال وارد نمودن فشار توسط آمریکا برار و آسیا بوجود خواهد آمد و پیامد آن وضعیت آمریکا را بعنوان یک قدرت جهانی تهدید خواهد کرد چه اقداماتی را روی دست خواهد گرفت (صفحه 55 کتاب او).

و یا به اصطلاح با توجه به عقب و بویژه به بیرحمی بیشتر در دوران امپراتوری عصر باستان اگر نظر انداخته شود میتوان به ضرورت بزرگ از جیوستراتیژی امپریالیستی بغرض جلوگیری از تبانی و حفظ وابستگی در بین اتباع دمد می مزاج سخن

بمیان آوردن آن هم بمنظور نگه داشتن شاخه های دمد می مزاج ها و یا گروه های مطیع وراضی شده و جلوگیری از باهم گرد آمدن بربرها و یا به عباره دگر آقای بریژنسکی از نظر جیوستراتژی امپریالیستی بر این عقیده است که گروه های مطیع شده و دمد می مزاج ها را نگه داشت که باهم در تبا نی و سازش قرار نگیرند و تلاش صورت گیرد که از تجمع بربرها جلوگیری بعمل آید . جلوگیری از تبا نی ... میان اتباع..... که آنرا همه میگویند ..ایا که نمی گویند ؟ (صفحه 40 کتاب بریژنسکی).

سیاست خارجی بی اعتنا و عاری از حس مسولیت اداره «اوباما» بویژه بعد از سرنگونی دولت لیبی و اوکراین تا حدی زیاده موجب میزان شتاب زدگی تشکیل ائتلاف ضد امریکایی گردید و یا به عباره دیگر دشمنان و اشنگتن در واکنش به رفتار و برخورد و اشنگتن نضج گرفت و «اوباما» میتواند که تنها خود را سرزنش نماید . ولادیمیر پوتین رئیس جمهور فدراتیف روسیه به تهدید روبه رشد بی ثباتی در منطقه و قرار دادن نیروهای «ناتو» در مرزهای روسیه با تقویت با کشورهای در اطراف و محیط روسیه و در سراسر شرق میانه از خود واکنش نشان داد و او در عین زمان توانست که همکاران و متحدین خود را در یک ائتلاف بنام «BRICS» که شامل (برازیل - روسیه - هند - چین و افریقای جنوبی) میباشد گرد آورد و در عین زمان دست به ایجاد بانک بریکس و (AIIB) زد بانک الترناتیف در سطح جهان در مقابل چالش و تسلط دالر که برای ایالات متحده امریکا به حیث منبع قدرت جهانی در داد و ستد در سراسر جهان مقام شامخی دارد بمقابله پرداخت . بادر نظر داشت همین اقدامات پوتین و متحدین او بود که آقای بریژنسکی بطور ناگهانی (180) درجه چرخش نمود و از تحقق تیوری هژمونی ایالات متحده امریکا در سراسر جهان صرف نظر نمود و نگرانی خود را به نسبت آغاز یک سیستم مبتنی بر چالش غیر دالری هنگام معاملات داد و ستد در میان کشورهای در حال رشد و کشورهای بیطرف ابراز نمود و تشویش خود را به نسبت جاگزین شدن اولیگوپولی (تولید کالاتوسط افراد و شرکت های معدودی) و یا انحصار چند جانبه بانک مرکزی غربی نشان داد ، بناً اگر این اتفاق بیفتد پس در آن صورت ایالات متحده امریکا تسلط پایدار خود را در رهبری اقتصاد جهانی و سیستم اخاذی (کلاش) از دست خواهد داد و دیگر بندگان دالری در داد و ستد و مبادله کالاها نقشی نخواهد داشت و حاکمیت دالر از چالش خواهد افتاد .

از سوی دیگر با تاسف باید ذکر نمود که بدبختانه برخورد محتاطانه آقای بریژنسکی که به احتمال زیاد توسط «هیلا ری کلنتون» نامزد مورد علاقه بریژنسکی به ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا کسیکه گسترش نفوذ امپریالیزم را از زاویه زور و اسلحه می بیند دنبال میشود- کلنتونی که برای بار اول خود محوری را در قاموس ستراتیژی در سخنرانی خود در سال (2010) معرفی نمود سخنرانی که در مجله سیاست

خارجی امریکا زیور چاپ یا فت و ما در اینجا فشرده سخنرانی او را ذیلاً پیشکش مینمایم :
«زمانیکه نسیم ویا بادهای جنگ در عراق از شدت خود فروکش نمود ایالات متحده امریکا آغاز به خروج نیروهای خود از افغانستان نمود در این هنگام موضع امریکا در یک نقطه محوری قرار داشت که برای مدت ده سال طول کشید و ما در طول این مدت منابع زیاد خود را به این دو تیا تر (نمایشنامه) اختصاص دادیم ولی در ده سال آینده که در پیشرو داریم ما باید منظمأ هوشیار و هوشمند باشیم که چگونه در بخش زمان و انرژی سرمایه گذاری نمایم بناً با در نظر داشت همین اصل ما میتوانیم که خود را در موقف یک لیدر شفی مناسب و ثاب ت قرار دهیم آنطوری که سرمایه ما مصون بماند و ارزش های ما در حال پیشرفت و انکشاف قرار گیرد از سوی دیگر یکی از وظایف بسیار مهم دیگر ایالات متحده امریکا کشور داری خوب میتواند باشد کشور داری که در پرتو آن در دهه پیشرو بتواند در حوزه آسیا و اقیانوس جلو سرمایه گذاری های بیشتری را در بخش دیپلوماسی - اقتصاد و استراتژی بگیرد یعنی دیگرها را نگذارد که در این بخش ها سرمایه گذاری نمایند.

مهار ویا سد نمودن رشد پویایی آسیای مرکزی که باعث تا مین منافع اقتصادی و استراتژی یک ایالات متحده امریکا میباشد یکی از اولویت های اداره رییس جمهور آقای «اوباما» شمرده میشود بازار آزاد آسیا در اختیار کامل ایالات متحده امریکا فرصت های بی نظیری را برای سرمایه گذاری شرکت های امریکا در بخش های تجارت و دسترسی به لبه برش تکنولوژی میسر خواهد ساخت یعنی شرکت های امریکا بدون دغدغه به سرمایه گذاری خواهند پرداخت و سود های افسانوی را از آن خود خواهند کرد .

تولیدات کنونی منطقه بیش از نیمی از تولیدات جهانی و تقریباً نیمی از تجارت جهانی را در بر دارد و ما به همین منظور تلاش مینمایم تا مطابق هدف از قبل تعیین شده «اوباما» صادرات خود را به آسیا در سال (2015) دوچند سازیم و هنوز هم منتظر فرصت های مناسبی هستیم تا داد و ستد خود را در آسیا بیشتر سازیم و بازار در حال رشد و پویایی آسیا را کاملاً در اختیار خود در آوریم.» {

«قرن پاسیفیک ایالات متحده امریکا سخنرانی هیلاری کلنتون مندرج در مجله سیاست خارجی ایالات متحده امریکا» .

مقا یسه نمودن سخنان هیلاری کلنتون با نظریات آقای برژینسکی در تخته شطرنج او در سال (2014).

ایرو آسیا بمثابة یک تحفه ای عمده و بر از نده برای ایالات متحده امریکا (صفحه 40 کتاب بریژینسکی) و آن اینکه ایرو آسیا در سطح جهان قاره ای بس بزرگ و عظیمی است و از نظر جیوپولیتیکی محوری از قدرت میباشد که تسلط بر ایرو آسیا میتواند زمینه

کنترول دو سه منطقه هرچه پیشرفته ترین را بدست دهد و اقتصاد سازنده جهان را در تحت کنترول درآورد چونکه (75) فیصد از مردم جهان در ایراسیا زندگی میکنند و در اینجا ثروت های سرشار بیشتر فزیکتی جهان و سرمایه ها و ثروت های بزرگی در زیر خاک وجود دارد و از جانبی هم ایرو آسیا (60) فیصد (GNP) یا از تولید ناخالص ملی را دارا میباشد و از جانبی هم در حدود «3/4» منابع شناسایی شده ای انرژی را در خود دارد (صفحه 31 کتاب بریژنسکی).

اهداف ستراتیژیک همه یکسان میباشد ولی آنچه که آقای بریژنسکی میخواهد در آن تمایز و تفاوت را بمیان آورد همانا اصلاح مسیر بر اساس تغیر شرایط و مقاومت در حال رشد در برابر تحکیم (قلندری) و تسلط و تحریم ایالات متحده امریکا میباشد یعنی که آقای بریژنسکی میخواهد تا در برابر آنچه که ایالات متحده امریکا میخواهد بالای دیگران قلندری نماید و یا تحریم وضع نماید نباید مقاومت صورت گیرد .

بالمقابل «هیلاری کلنتون» هنوز بطور کامل متعهد به گسترش هژمونی ایالات متحده امریکا در سراسر آسیا نشده است چونکه او خطر این امر را برای کشورش و برای جهان تا حدی هم نمیداند این احتمال هم وجود دارد که هیلاری کلنتون شاید به مداخلت پیگیر خود تا زمان ادامه خواهد داد تا که جنگ ویران کننده و تباه کننده ایالات متحده امریکا کشت و کشتار را توقف دهد و هیلاری کلنتون با در نظر داشت آنچه که اوقضاوت مینماید شاید در دوره اول ریاست جمهوری خود به نقطه اغراق آمیز از خواسته های خود برسد .

آقای بریژنسکی گرچه دلیل منطقی را پیشکش مینماید و یا اینکه طرح های خود را منطقی میداند ولی در عین زمان ممکن بصورت نا آگاهانه خدماتی را انجام میدهد که از نقطه نظر منافع امریکا نزول به پایین است یعنی به حد اقل رساندن درگیری ها و مخالفت ها در آینده - جلوگیری از آتش سوزی هسته ای و حفظ نظام جهانی (بانام مستعار دالر) اما اگر هیلاری کلنتون نصایح آقای بریژنسکی را در نظر گیرد و یا دنبال نماید بی از تشنه بخون نشستن چیزی دیگری نخواهد بود .

-----باتقدیم احترامات 2016-9-5